

# عقلانیت غربی از دیدگاه ماکس وبر

## گفتگو با یدالله موقن

گفتگو کننده محمد رضا ارشاد

یدالله موقن، دارنده درجه کارشناسی فیزیک از دانشگاه هال و کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه علم از دانشگاه لیدز انگلستان است. نگاهی کوتاه به ترجمه‌ها، نوشته‌ها، گفت‌وگوها و یادداشت‌هایی که از موقن هر از چند گاه در برخی از نشریه‌ها و مجله‌های کشورمان به چاپ رسیده، نشانگر علاقه وی به شناسایی جنبه‌های متمایز سنت و مدرنیته و درک سازوکار آن دواست. از این رو چالش‌های نظری موقن با برخی از جریان‌های روشنفکری معاصر ایران و متهم ساختن آنها به پیروی از تفکر اسطوره‌ای از شهرت خاصی برخوردار است. موقن بر این نظر است که ما هنوز در جهان اسطوره‌ای پیشامدرن به سر می‌بریم و بر این مینا به درک و شناخت درستی از بنیان‌های تفکر مدرن نرسیده‌ایم. بر همین اساس او به ترجمه چند اثر از ارنست کاسیرر، فیلسوف نوکانتی آلمانی که به زعم وی می‌تواند درک ما را از اندیشه مدرن پویاتر گرداند و به نوبه خود سبب فاصله‌گیری ما از تفکر اسطوره‌ای گردد، روی آورد. برگردان کتاب‌هایی چون: «فلسفه روشنگری» (نشر نیلوفر) «اسطوره دولت» (نشر هرمس)، جلد دوم از مجموعه سه جلدی «فلسفه صورت‌های نمادین» یعنی «اندیشه اسطوره‌ای» (نشر هرمس) از ارنست کاسیرر، ترجمه و نگارش مجموعه مقاله‌هایی زیر عنوان «زبان، اندیشه و فرهنگ» (نشر هرمس) و نیز برگردان کتابی با نام «عقلانیت و آزادی» که مجموعه مقاله‌هایی درباره اندیشه ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است.

**\* انگیزه شما از ترجمه مقاله‌هایی که در کتاب "عقلانیت و آزادی" آمده چه بوده است؟**

- من معتقدم که برای فهم و درک جامعه مدرن و تفاوت آن با جامعه سنتی مطالعه آثار ماکس وبر از ضروریات است. مثلاً آثار ماکس وبر در زمینه جامعه‌شناسی دین به ما کمک می‌کند که دریابیم چرا غرب به راه ترقی و پیشرفت افتاد، اما کشورهای چینی و هند و ایران و مصر درجا زدند و متحول نشدند.

## **\* آیا جامعه‌شناسی دین ماکس وبر مثلاً جامعه‌شناسی اسلام او هنوز هم مورد توجه است؟**

- ماکس وبر دین را از جنبه خاصی بررسی می‌کند؛ به این معنی که می‌خواهد بفهمد میان اعتقادات دینی یک شخص و کردار اقتصادی او چه رابطه‌ای وجود دارد. آیا هر دینی برای گسترش نظام سرمایه داری مناسب است یا نه؟ او فقط مذهب پروتستان را مناسب رشد روابط و مناسبات سرمایه داری می‌داند. جامعه‌شناسی اسلام ماکس وبر چندان مورد توجه اسلام‌شناسان قرار نگرفته بود.

اما چون بین برداشت او از اسلام با آنچه اکنون بنیادگرایان اسلامی از اسلام ارائه می‌دهند، اگر نه مطابقت کامل، لاقلاً شباهت بسیار وجود دارد، مورد توجه روزافزون قرار گرفته است. مثلاً تأکید ماکس وبر بر این که در اسلام جهاد بر همه امور دیگر تقدم دارد با آنچه بعضی بنیادگرایان اسلامی در همین خصوص می‌گویند تطابق کامل وجود دارد.

ماکس وبر علاوه بر تئنگاری‌ها درباره جامعه‌شناسی هندوئیسم و بودیسم و مذهب پروتستان کتابی درباره جامعه‌شناسی دین به طور عام نوشته است. «تالکوت پارسونز» معتقد است که کتاب جامعه‌شناسی دینی یکی از مهمترین کتاب‌هایی است که در قرن بیستم نگاشته شده است. او بر ترجمه انگلیسی کتاب یاد شده مقدمه‌ای نوشته است که من آن را تحت عنوان «ساخت‌های منطقی» جامعه‌شناسی دین» ماکس وبر ترجمه کرده‌ام که در همین کتاب عقلانیت و آزادی به چاپ رسیده که البته فهم و هضمش دشوار است.

## **\* ماکس وبر از عقلانیت فرهنگ غرب و پیدایش این عقلانیت سخن گفته است. در این باره مطالبی بفرمایید؟**

- جامعه‌شناسی ماکس وبر را جامعه‌شناسی عقلانیت می‌دانند. ماکس وبر مهمترین خصیصه فرهنگ غرب را عقلانیت می‌شناسد. این عقلانیت در علم، در حکومت، در نظام قضایی، در سازمان‌های سیاسی در ساختار دولت و نظام اقتصاد سرمایه‌داری غرب تبلور یافته است. بنده برای ارائه این جنبه از نظریات ماکس وبر مقاله «پیدایش عقلانیت غربی از دیدگاه ماکس وبر» را ترجمه و نگارش کرده‌ام که اولین مقاله کتاب عقلانیت و آزادی است و نظریات ماکس وبر را درباره رهبری کاریزمایی، سلطه سنتی، سلطه عقلانی، سلطه شخصی، سلطه غیرشخصی و نوع قوانین و نظام حکومتی و قضایی که وابسته به آنهاست شامل می‌شود.

## **\* از نظر ماکس وبر جامعه مدرن با جامعه سنتی چه تفاوت‌هایی دارد؟**

- جامعه مدرن و جامعه سنتی را از جنبه‌های مختلف می‌توان با هم مقایسه کرد. جامعه سنتی معمولاً جامعه دینی است و ارزش‌های دینی، حیات فردی و اجتماعی را اشباع کرده است. اما جامعه مدرن، جامعه‌ای سکولار یا لائیک است، یعنی جامعه‌ای غیردینی است. بر جامعه سنتی، سلطه سنتی یعنی حکومت سنتی حاکم است. این سلطه، سلطه‌ای شخصی و غیرعقلانی است. اما حکومت یا سلطه در جامعه مدرن عقلانی و غیرشخصی است. بر جامعه سنتی قوانین شرع و در برخی موارد قوانین عرفی حاکم‌اند. اما بر جامعه مدرن، قوانین موضوعه که پارلمان آنها را وضع کرده جاری‌اند.

در جامعه سنتی، سنت مقدس و نقض ناشدنی است اما جامعه مدرن، سنت‌ستیز است، از این رو در آن نقد و انتقاد امری رایج است، اما در جامعه سنتی نقد و انتقاد، دشمنی و کینه‌توزی تلقی می‌شود. همچنان که گفتم مهمترین خصلت جامعه مدرن، لائیک بودن یا سکولار بودن آن است.

## **\* آقای موقن! می‌بینم که شما دو اصطلاح لائیک و سکولار را مترادف هم به کار می‌برید. سکولاریسم و لائیسیتیه چه معنایی دارند و آیا میان این دو تفاوتی هست؟**

- سکولاریسم عبارت از این اعتقاد است که اخلاق باید صرفاً بر پایه شادی و سعادت و رفاه نوع بشر در همین زندگی زمینی‌اش متکی باشد نه بر ارزش‌های دینی و اعتقاد به آخرت.

در مسیحیت لاتینی، سکولار به معنای «دنیوی» در مقابل کلیسایی است و نیز به معنای جامعه مدنی در مقابل جامعه دینی یا امت است. سکولار شدن یا سکولار کردن جامعه به این معناست که دست کشیشان از امور سیاسی و قضایی و فرهنگی کوتاه شود و اداره این امور به جامعه مدنی سپرده شود و حتی موقوفات کلیسا در اختیار جامعه مدنی قرار گیرد. لائیک به معنای مردم، افراد معمولی و غیر روحانی است. لائیسیتیه یعنی افراد غیرروحانی اداره همه امور را در اختیار دارند نه کشیشان.

لائسیسته یعنی جدایی دین از حکومت. لائیک کردن جامعه یعنی از میان بردن خصوصیات دینی امور و دنیوی کردن آنها. سکولار و لائیک دو اصطلاح تقریباً مترادف‌اند. انگلیسی‌زبانان بیشتر اصطلاح سکولار را به کار می‌برند و فرانسوی‌زبانها بیشتر اصطلاح لائیک و لائسیسته را.

### **\* چرا شما به آثار ماکس وبر علاقه‌مندید و منتقد مارکسیسم هستید؟**

- آثار ماکس وبر ما را راهنمایی می‌کنند تا جامعه مدرن غربی را درک کنیم و فرقی را با جوامع سنتی غیر غربی دریابیم. من نمی‌گویم هرچه ماکس وبر می‌گوید درست است، نه. بسیاری از پیش‌فرض‌های او به نظر من نادرستند، اما تکیه ماکس وبر بر عقلانیت و پیدایش و رشد عقلانیت درخور توجه است؛ یعنی موضوعی که اصلاً ماکس مورد توجه قرار نمی‌دهد. هدف ماکس واژگونی جامعه مدنی بود نه شناخت عقلانیت حاکم بر آن. بر عکس او معتقد بود که جامعه مدنی مدرن، نشانه بارز جدایی فرد از جامعه و بیگانگی او با خود و جامعه است و جامعه مدنی از دولت متمایز شده است بنابراین باید در هم کوبیده شود و دیکتاتوری پرولتاریا برپا شود و بر ویرانه‌های جامعه مدنی، جامعه سوسیالیستی ساخته شود.

### **\* به نظر شما برای تحقق جامعه مدنی چه تحولاتی باید در ساختار اجتماعی صورت پذیرد؟**

- در جامعه سنتی سلطه، شخصی و غیرعقلانی بوده و این سلطه جنبه مابعدالطبیعی داشته است یعنی حاکم شخص مقدسی بود که خود را نماینده خداوند بر زمین می‌دانست. سلطه یا حکومت، سرشتی مقدس داشت نه دنیوی یا سکولار. حاکم، فردی معمولی نبود بلکه حاکمیت‌اش از سوی پروردگار به او تفویض شده بود، بنابراین در برابر هیچ کس پاسخگوی رفتار و تصمیمات خود نبود. اما در دولت لائیک رئیس جمهور یا نخست‌وزیر فردی معمولی است که هیچ قدرتی ندارد بلکه از سوی اکثریت مردم برای مدت معلومی برگزیده شده و فقط سمت نمایندگی اکثریت مردم را دارد ولی او، هم در مقابل اکثریت و هم در برابر اقلیت پاسخگوست و چنانچه پس از انقضای مدت نمایندگی‌اش مجدداً برگزیده نشد، کنار می‌رود و چه بسا این بار نمایندگان اقلیت قبلی، اکثریت آرا را به دست آورند و انتخاب شوند. اعضای پارلمان نیز افرادی عادی هستند و در برابر مردم و قانون‌هایی که وضع می‌کنند پاسخگو هستند.

البته قانون‌هایی که آنها وضع می‌کنند سرشتی قدسی ندارند بلکه قانون‌هایی هستند که انسان‌های معمولی برای حسن اداره امور جامعه آنها را وضع می‌کنند و چه بسا با تغییر دولت در انتخابات بعدی پاره‌ای از این قانون‌ها لغو شوند و قانون‌های جدیدی وضع گردند. البته قانون‌های وضعی نباید ناقض حقوق

بشر و شهروندی باشند. مسائل اخلاقی و دینی و یا ارزش‌های دینی - اخلاقی بر وضع این قانون‌ها نظارت ندارند. سرشت این قانون‌ها لائیک است. اخلاق نیز در جامعه مدنی اخلاق مبتنی بر اعتقاد دینی نیست، بلکه اخلاق مدنی است که بر مسئولیت‌شناسی فرد متکی است. وقتی چنین تحولاتی در ساختارهای فرهنگی سیاسی و قضایی يك جامعه پدید آمد، در آنجا جامعه مدنی شکل می‌گیرد.